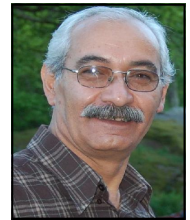


پیرانشهر و گسترش ابعاد اعتراض به جاده های مرگ!



عبدال گلپریان

ناامنی جاده از مریوان شروع شد و اکنون ابعاد وسیعتری پیدا کرده است. اعتراض و راه پیمایی مردم پیرانشهر ادامه اعتراض به جاده های مرگ است.

وضعیت جاده ها که به قتلگاه مسافران و رانندگان دیگر وسائل نقلیه تبدیل شده است، اکنون دیگر تنها مختص به جاده مریوان سندانج یا جاده پیرانشهر سردشت نیست. بنا به آمارهای منتشر شده از سوی نهادهای حکومت اسلامی، تنها در سال ۹۲، ۱۷ هزار و ۹۹۴ نفر در اثر تصادف جاده ای ایران جان خود را از دست داده اند. در سال ۹۳ نیز ۴۹ هزار و ۸۶۶ تصادف که منجر به مرگ و ایجاد جراحات سخت، در خارج از شهرها رخ داده که از این تعداد، ۶ هزار و ۹۱۶ نفر در صحنه تصادف جان باخته اند. آمار تصادف میتواند بیشتر از این تعداد هم باشد که در سیستم این حکومت آمار چندان دقیقی ارائه نمیشود و به ثبت نمیرسند.

از سوی دیگر نهادهای مسئول علت وقوع تصادفات رانندگی را متوجه رانندگان میککنند تا شده است برگزار شد. اعتراض به

روز دوشنبه سوم آبان ماه زنجیره انسانی با پیام "من قربانی آینده هستم" توسط شهروندان پیرانشهر در اعتراض به چند برابر بودن آمار قربانیان تصادفات جاده ای این شهر نسبت به مناطق دیگر کشور برگزار شد. این کمپین پیشتر با پیام "من قربانی آینده هستم" از شهروندان و خانواده های قربانیان تصادفات جاده ای پیرانشهر، دعوت کرده بود تا "پیام درد و اندوه آغشته به مطالبات برحق خود را با تشکیک زنجیره انسانی از خروجی شهر تا ابتدای خیابان شهرک صنعتی" به گوش مسئولین برسانند. روز سه شنبه ۱۳ مهر و پنجشنبه ۱۵ مهر نیز حرکت مشابهی در مریوان و در اعتراض به ناامنی جاده مریوان سندانج که به قتلگاه مسافران تبدیل شده است برگزار شد. اعتراض به

ایسکرا می رسد یک سؤال از نسرين رمضانعلی



نسرين رمضانعلی: اعتراضات

معلمان که بعد از يك دوره پرتنش مجدداً با قدرت به میدان آمد، اکنون این اعتراضات بیش از دوسال است مدام و پیگیر ادامه دارد. در این مدت ما شاهد تجمعات سراسری و محلی معلمان بودیم. در این دوره و در این اعتراضات معلمان خواستهای خود را شفاف تر و روشن تر بیان کردند. افزایش حقوق یکی از اساسی ترین خواستها بود که در کنار دهها خواست برحق دیگر در

ایسکرا: تلاش و فعالیت هایی

اخیرا در میان فعالین معلمان در جریان هست، ابتدا این نکته را برای خوانندگان توضیح دهید که این تلاشها به چه نتایجی رسیده است و در همین رابطه با توجه به بازگشایی مدارس و در ادامه اعتراضات معلمان، خواست محوری معلمان حول چه مطالباتی میچرخد و برای دستیابی به این مطالبات چه دورنمایی برای تداوم تجمعات اعتراضی آنان را میشود ترسیم کرد؟

این دوره مطرح شده است. تحصیل رایگان و برابر برای همه کودکان، حق رتبه بندی مشاغل، حق نوار مرزی، مزایایی

صفحه ۲

مردم پیرانشهر دست به راهپیمایی زدند من قربانی آینده هستم!

صفحه ۲

اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری



نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

نسان نودینان، نسرين رمضانعلی صفحه ۳

پاسخ به کامنت فیسبوک

عبدال گلپریان صفحه ۵

دفتر دادیار ناظر بر زندانیان سیاسی جعفر عظیم زاده را به زندان اوین فرا خواند

صفحه ۶

موصل و موضع چپ ضد امپریالیست

صفحه ۴

عبدال گلپریان

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

مردم پیرانشهر دست به راهپیمایی زدند من قربانی آینده هستم!



پنجشنبه ۱۵ مهرنیز حرکت مشابهی در مریوان و در اعتراض به ناامنی جاده مریوان سندج که به قتلگاه مسافران تبدیل شده است برگزار شد. اعتراض به ناامنی جاده از مریوان شروع شد و اکنون ابعاد وسیعتری پیدا کرده است. اعتراض راه پیمایی مردم پیرانشهر ادامه اعتراض به جاده های مرگ است.

کمیته کردستان حزب از مردم شهرهای دیگر میخواهد که از حرکت اعتراضی مردم مریوان و پیرانشهر نسبت به وضعیت جاده های مرگ که همه جاده های سراسر کشور را به قتلگاه شهروندان تبدیل کرده و در اعتراض به لاقیدی مسئولان حکومت از آنان حمایت کنند. ما مردم شهرهای کردستان را به گسترده کردن اعتراض به ناامنی جاده فرا میخوانیم.

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری
۴ آبان ۹۵
۱۲۵ اکتبر ۲۰۱۶

مشکل و سازمانیافته مداوم مردم ناچار به زانو زدن و تمکین به خواستهای مردم معترض و بستوه آمده خواهند شد.

۴ آبان ۹۵



کلیه کارگران و معلمان و پرستاران باید به استخدام رسمی در آیند!

از جانب اسماعیل عبدی و جعفر عظیم زاده وارد فاز جدیدی از این اعتراضات بصورت متحدانه ای شد. دستگیریهایی پی در پی، بخش زیادی از انرژی و نیروی معلمان را معطوف به آزادی آنها کرد و خواستی به خواستهای این اعتراضات اضافه شد. لغو تمامی اتهامات امنیتی بر پرونده فعالین کارگری و مدنی، این یک پیشروی مهم در جنبش اعتراضی معلمان بود.

تلاش و مبارزه برای این خواست امروز ابعاد وسیعتری به خود گرفته است. این مبارزات کماکان ادامه دارد. مبارزه برای رفاه و زندگی بهتر در اشکال مختلفی امروز پیش می رود. با پیچیدگی و ترفندهای جدید حکومت ضد انسانی که بقایش را در گرو تحمیل فقر بیشتر به مردم می بیند، امروز به یمن این رهبران و این تشکلهای میشود گفت تامل و تعمی بیشتر بر سر سازماندهی اعتراضات را شاهد هستیم. اگر وزیر آموزش و پرورش استعفا میدهد و اگر افشا میشوند که پولهای صندوق ذخیره را مسئولین و اختلاس گران بالا کشیده اند به یمن اعتراضات متحدانه معلمان است. تنها برای مردم و برای مزدبگیران یک راه باقی است مبارزه علیه کلیت این حکومت و بزرگشیدنش. امروز در کنار دهها خواست معلمان و مزدبگیران یکی از خواستهای محوری نیز لغو تمامی احکام امنیتی است! مبارزات معلمان و مزدبگیران با تمامی نقاط قوت و ضعفش همچنان ادامه دارد.

ایسکرا میرسد ...

همین رابطه فکر میکنم معلمان به بهترین شکل از میادای اجتماعی را به افکار عمومی جامعه برسانند. خیلی خوب استفاده کرده اند. دولت و وزارت آموزش پرورش که تحت فشار بودند، برای جلوگیری از دامنه اعتراضات ابتدا اعلام کردند که حق نوار مرزی و یا مسئله دادن وام و رسیدگی به صندوق ذخیره فرهنگیان را پیگیری میکنیم. در نهایت متوجه شدیم که از "صندوق ذخیره فرهنگیان دزدیهای میلییاری شده است." باید گفت تا همین لحظه به خواست افزایش حقوق، تحصیل رایگان و... معلمان دولت و وزارت آموزش پرورش پاسخی نداده و شانه بالا انداخته و در حد وعده های پوچ سعی در تضعیف این اعتراضات دارند.

اعتراضات معلمان که در دو سال گذشته شاهد پیشرویهایش بودیم، حکومت هار اسلامی با دستگیری تعدادی از معلمان، زندانی کردن و تبعید آنان بخصوص اعضای هیئت مدیره کانون صنفی، تلاش نمود این اعتراضات را مرعوب و وادار به عقب نشینی کند. دستگیری دبیر کانون صنفی و همچنین سخننگوی کانون صنفی و سایر اعضای هیئت مدیر کانون صنفی و احضارها و تهدیدها و دستگیری تعداد بیشتری از معلمان و سپس آزاد کردن آنان با قید وثیقه، نه تنها نتوانست عقب نشینی را به این جنبش بر حق تحمیل کند بلکه اعتراضات معلمان با صدور بیانیه

چون، وام برای معلمان، اختصاص دادن بودجه بیشتری برای آموزش و پرورش برای بازسازی مدارس که از کمترین امکانات تحصیلی برخوردار هستند. اختصاص دادن کتابهایی که آموزش جنسی برای کودکان در آنها منظور شده باشد. لغو مدارس خصوصی یکی دیگر از خواستها مطرح شده است. لازم به ذکر که است مدارس خصوصی یعنی گرفتن پولهای زیادی از خانواده دانش آموزان و این مدارس اکثرا پروژه های آفازاده ها است و به معنی به جیب زدن پولهای هنگفتی است. در واقع تحصیل نه تنها رایگان نبوده بلکه حتی تحصیل برای کودکان در ایران با خصوصی سازی به یک پدیده لوکس و کالای دست نیافتنی برای کودکان تبدیل شده است. ۳ میلیون ۷۰۰ هزار کودک در ایران محروم از تحصیل هستند. با تمامی خواستههایی که مطرح شده است اما دو شعار محوری بوده است. "منزلت معیشت حق مسلم ماست!" و "حقوق ما یک میلیون خط فقر ۳ نیم میلیون!". متاسفانه باید گفت به این خواستهای اساسی تاکنون پاسخی داده نشده است اما طبق معمول وعده های بدون عمل داده میشود. اما اجازه بدهید به این بخش پاسخ سوال شما برگردم که معلمان به کدام یک از خواستهای خود دست یافتند؟

اعتراضات وسیع و سازمان یافته معلمان "بخصوص به یمن رسانه های اجتماعی" اخبار این اعتراضات و خواستهای معلمان بازتاب وسیعی داشته است. در

صفحه ۳ پیرانشهر و گسترش ابعاد ...

هستند. دادن وعده های دروغین مقامات حکومت مبنی بر مرمت جاده مریوان سندج این واقعیت را نشان داد که منبعده نمیتوانند تصادف جاده ای را بگردن عدم رعایت در نحوه رانندگی راننده ها بخورد مردم بدهند. حرکت اعتراضی مردم پیرانشهر در روز دوشنبه سوم آبان تأکیدی بر حرکت اعتراضی مردم مریوان و در اعتراض به جاده مرگ بود که کمترین توجهی از سوی کاربدستان و

بدینوسیله بی توجهی و لاقیدی خود در قبال عدم رسیدگی به جاده ها که حتی از حداقل ترین استانداردهای لازم برخوردار نیستند و همچنین نادیده گرفتن در قرار دادن علائم راهنمایی و رانندگی توجیه کنند.

حزب اعتراضی مردم مریوان در روز سه شنبه ۱۳ مهر و پنجشنبه ۱۵ مهر این را به مقامات محلی و وزیر راه تفهیم کرد که جاده ها نامناسب، غیر استاندارد و بتمام معنا قتلگاه

نهادهای مربوطه نسبت به وضعیت جاده ها صورت نمیگیرد.

در ادامه حرکتی اعتراضی و تجمعات مردم در شهرهای کردستان و همچنین در دیگر نقاط کشور این تجمعات و اعتراضات میتواند بعنوان یک حرکت سراسری به میدان آید. این جنبش و کمپین اعتراض به وضعیت جاده های مرگ را میتوان و باید گسترش داد. فعالین و نهادهای دست اندرکار میتوانند در همکاری و ارتباط نزدیک با فعالین این عرصه در سطح کشور ابعاد حرکت اعتراضی مردم علیه حاکمان

نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

نسان نودینان، نسرین رضاعلی

تهدید بهنام ابراهیم زاده به پرونده سازی مجدد

بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری در بند در زندان رجایی شهر کرج که در پی تفتیش و ضبط دست نوشته هایش توسط حفاظت زندان، از بند ۲ دارالقران به سالن ۱۲ زندانیان سیاسی-امنیتی منتقل گردیده، توسط مسئولین زندان به پرونده سازی مجدد تهدید شده است. به گزارش کمپین دفاع از زندانیان سیاسی و مدنی، این فعال کارگری که توسط شوک الکترونیکی در روزهای اخیر بصورت جدی مورد ضرب و شتم قرار گرفته، در حال حاضر دچار عفونت شدید لثه شده و در وضعیت نامناسبی به سر می برد. روز شنبه ۲۴ مهرماه، ماموران دفتر حفاظت اطلاعات زندان، با توسل به زور، اقدام به تفتیش و ضبط وسایل و دست نوشته های بهنام ابراهیم زاده کرده و وی را به بند دیگری منتقل کردند. قابل ذکر است، به تازگی نیز "زیبده حاجی زاده" همسر این فعال کارگری، تحت عمل جراحی چشم قرار گرفته است. این در حالی است که فرزند وی نیز از بیماری سرطان رنج می برد.

مظفر صالح نیا و هاشم رستمی تیر نه شدند

روز چهارشنبه ۲۸/۷/۹۵ طی پیامکی از جانب شعبه اول دادگاه انقلاب سنندج از مظفر صالح نیاعضوهیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و هاشم رستمی از فعالین کارگری شهر سنندج که روز ۱۷ مهر ۹۵ آنها را محاکمه کرده بود، خواسته شد که به این شعبه دادگاه مراجعه نمایند. با حضور این افراد در دادگاه به آنها حکم برائت از اتهامات وارده (اقدام علیه امنیت ملی و تبلیغ علیه نظام) داده شد.

هاشم رستمی روز ۲۹ خرداد ۹۵ و مظفر صالح نیا اول تیر ۹۵ به خاطر فعالیتهای کارگری از سوی اداره اطلاعات سنندج بازداشت و بعد از حدود ۲۰ روز با وثیقه ۵۰ میلیون تومانی به طور موقت آزاد شدند. این فعالین چه در ایام بازداشت

و چه هنگام محاکمه در دادگاه از فعالیتهای کارگری خود دفاع کرده و همچنین مظفر از حقانیت اتحادیه آزاد کارگران ایران به عنوان تشکلی کارگری دفاع نموده بود. اتحادیه آزاد کارگران ایران خود را در شادی این فعالین و خانواده های آنها شریک میدانند و به مظفروهاشم به خاطر تلاشهایشان در جهت دفاع از منافع کارگران و سرفرود نیابوردن در برابر فشارها و اذیت و آزار دستگاههای امنیتی درود میفرستد. همچنین از حق تشکیلاتی کارگران و عضویتشان در هر تشکل کارگری با جدیت دفاع مینماید و خواستار حذف اتهامات امنیتی از پرونده ها و آزادی کلیه فعالین از زندان میباشد. اتحادیه آزاد کارگران ایران

مخالفت حراست مخابرات سنندج با تشکیل شورای کارگران

بنا به گزارش رسیده طبق هماهنگی قبلی که بین کارگران و حراست شرکت مخابرات شهری سنندج انجام گرفته و توافق شده بود که روز ۲۸ / ۷ / ۹۵ نماینده کارگران به همراه نماینده شرکت مخابرات جهت تشکیل شورای کارگری و انتخاب نماینده مستقل کارگران به اداره کار مراجعه کنند. اما در این روز حراست شرکت به بهانه اینکه نماینده ندارند، کسی به اداره کار سنندج نمی فرستد و عملاً از تشکیل شورای کارگری این بخش لازم به ذکر است که ۷۰ نفر در این بخش مشغول به کار می باشند. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری - ۲۹ / ۷ / ۱۳۹۵

دستگیری در سقز

عادل حسین زاده و زانکو توسط نیروهای اطلاعات شهر سقز بازداشت شدند.

اقدامی ابتکاری

بیست و نهم مهرماه، سه دوچرخسوار انجمن پائین بانه در حمایت از زرببار و مخالفت با

ساخت پالایشگاه نفت مسافت ۱۳۵ کیلومتری و کوهستانی بانه تا زرببار را می پیمایند. این دوچرخسواران با شعار "نه به تخریب زرببار" این حرکت را آغاز نموده اند. این اقدام انجمن پائین بانه با استقبال انجمن سبز چیا میروان روبرو گردیده است. روز بیست و هشتم مهرماه، انجمن سبز چیا میروان بیانیه ای در رابطه با احداث پالایشگاه نفت در فاصله کمتر از دو کیلومتری پناهگاه حیات وحش زرببار منتشر کرد. این انجمن زیست محیطی اعلام کرده است: به هیچ وجه اجرای چنین پروژه های ویرانگر را بر نتاییده و اجازه نخواهیم داد زرببار، که دنیا آرزوی دیدن آن را دارد از ما منع شود. ما نخواهیم توانست زخم عمیق پالایشگاه نفتی بر پیکره زرببار را نظاره گر بوده و ساکت بمانیم؛ چرا که موجیم و آسودگی ما عدم ماست. انجمن سبز چیا از عموم مردم، انجمن های مردم نهاد، کارشناسان، فعالان محیط زیست، رسانه ها و مسئولان دلسوز خواسته است که نسبت به احداث مینی پالایشگاه در منطقه بی تفاوت نباشند و اعلام موضع نمایند.

قادر خیابانی در کرکوک

تئاتر آناهیتای شهرستان سقز در سومین فستیوال بین المللی تئاتر خیابانی، چهار جایزه را از آن خود کرد. این گروه تئاتر خیابانی با ارائه تئاتری با نام "سیب زمینی های برشته" توانست در فستیوال بین المللی شهر کرکوک چهار جایزه را در این فستیوال از آن خود نماید. جایزه بهترین کارگردان، بهترین بازیگر مرد، بهترین نمایشنامه و نقد و بررسی تئاتر خیابانی در شهر کرکوک به گروه آناهیتا اهدا شد. نمایشنامه این تئاتر خیابانی به دست "هاوار رضایی" کارگردانی و برنامه ریزی شده است. این تئاتر به

زبان کردی اجرا شد و با زبانی طنز از معضل بیکاری و سیستم اداری و استخدامی جوانان انتقاد کرده است. موضوع این تئاتر خیابانی در مورد ماده مخدر، دانشگاه، ازدواج،... همراه با زبانی طنز ولی با درون مایه تراژدی بیان شده است. این فستیوال با حضور تئاتر کرکوک و تئاتر زیست های داخلی و خارجی برگزار شد.

شلیک مستقیم به کولبران

یکشنبه ۲۵ مهرماه، یک کولبر جوان، "اشکان فتاحی" در شهر نوسود بر اثر شلیک مستقیم نیروهای حکومتی در مرز این شهرستان به شدت زخمی گردید. نیروهای حکومتی در مکانی بنام "دره هرات" با شلیک به این کولبر از ناحیه پا مصدوم و اکنون اشکان برای مداوا به یکی از بیمارستانهای کرمانشاه اعزام شده است.

جانباختن کولبر

طی چند روز گذشته، یک کولبر دیگر اهل روستای شیخان در منطقه سوما و برادوست به نام حسن امینی رواندی بر اثر تیراندازی نیروهای حکومتی جان باخت.

کردستان از لحاظ برخورداری راه های آسفالت روستایی آخرین استان کشور است

مدیرکل راه و شهرسازی استان کردستان اعلام کرد، استان کردستان نسبت به میانگین سطح کشور ۱۸ درصد فاصله دارد و رتبه آخر را از لحاظ برخورداری از جاده آسفالت روستایی دارد که به عبارت دیگر رتبه ۳۱ کشور را دارد.

محرومیت از حق تدریس

یکشنبه ۲۵ مهرماه، حراست دانشگاه پیام نور میروان به حامد کهنپوشی یکی از استادان این دانشگاه ابلاغ نمود که دیگر حق تدریس در این دانشگاه را ندارد.

حامد کهنپوشی در فیسبوک شخصی خود اعلام کرده که، یکشنبه برای حضور در کلاس به دانشگاه رفته بودم، که متأسفانه به من ابلاغ گردید از این پس حق تدریس در دانشگاه را ندارید.

انفجار مین در مهاباد

به سبب انفجار مین در یکی از روستای شهر مهاباد یک نفر بنام داوود قدسیان مصدوم گردید. انفجار این مین و ارتباط آن با جنگ ۸ ساله در حالی است که فاصله شهر مهاباد تا نزدیکترین نقطه مرزی، حداقل ۱۵۰ کیلومتر می باشد.

انفجار مین در سردشت

کشته و زخمی شدن دو کودک خردسال بر اثر انفجار مین در شهر سردشت. هویت یکی از کودکان کشته شده "محمد الیاسی" ۸ ساله اعلام شده.

بیانیه سازمان عفو بین الملل در خصوص وضعیت زینب جلالیان

سازمان عفو بین الملل در بیانیه ای تاکید کرد: زینب جلالیان که در پی محاکمه ای کاملاً ناعادلانه در حال گذراندن محکومیت حبس ابد خود است، در آستانه از دست دادن بینایی قرار دارد. سازمان عفو بین الملل با انتشار این بیانیه از مقامات رژیم خواست فوراً مراقبت های پزشکی مورد نیاز زینب جلالیان را فراهم آورده، درخواست کارگروه بازداشت های خودسرانه سازمان ملل مبنی بر آزادی زینب جلالیان را به اجرا درآورند. فوراً و بدون قید و شرط این زندانی را آزاد و شرایط محاکمه عادلانه بدون توسل به مجازات اعدام را فراهم و در مورد ادعای مورد شکنجه قرار گرفتن او تحقیق و عدالت در مورد مسئولان آن اجرا شود.



موصل و موضع چپ ضد امپریالیست

عبدل کلپریان

در رابطه با مسئله باز پس گیری موصل از داعش توسط ارتش عراق و نیروهای ائتلاف، تشکیلات حزب کمونیست کارگری کردستان عراق (حکککع) در اطلاعیه ای تحت عنوان، "جلو کشتار مردم موصل و ویرانی را بگیریم" موضع رسمی این حزب را اعلام کرده است. در بخشی از این اطلاعیه آمده است:

"از کارگران، نیروهای سوسیالیست و مترقی می‌خواهیم همانگونه که در اوایل حمله نظامی آمریکا به عراق به میدان آمدند اینبار نیز به میدان بیایند. کنار زدن و جنگ با داعش امر مردم منطقه و با پشتیبانی جهانیان است. نیروهای امپریالیست باید دست از این طرح و توطئه و کشتار مردم بردارند و با کوتاه کردن دست حامیان داعش، اجازه بدهند تا مردم منطقه خودشان داعش را از میان بردارند. بشریت مترقی و مدرن جهان میتواند جلو این یورش را بگیرد". علاوه بر این، "سامان کریم"، از اعضای رهبری این حزب در مقاله ای بلند بالا تحت عنوان: "این جنگ باید متوقف شود" بدون دادن پاسخ روشن و کنکرت در قبال اوضاع در موصل بصورتی کلی گویی خواهان برچیده شدن سلاحهای جنگی در جهان و پایان جنگ در دنیا شده است. ایشان نیز در ابتدای هر پاراگرافی، تیتر نوشته اش را مکررا تکرار کرده است و بارها توقف سریع جنگ علیه داعش و راه اندازی و ایجاد جبهه ضد جنگ در سطح جهانی را تاکید کرده است و نهایتا در جایی میگوید: "جنبش کمونیستی از بنیاد ضد اسلام سیاسی و هیچ جنبش دیگری نیست، بلکه جنبشی ضد سرمایه و سرمایه داری است."

نشان دادن و پرداختن به این گونه مواضع نادرست را بارها باید تاکید کرد که این حزب علیرغم هر گونه نیت خیری که داشته باشد، اکنون چگونه در گرداب سردرگمی در قبال مهمترین واقعه در منطقه قرار گرفته است. از سوی دیگر نباید اجازه داد که این گونه مواضع مصلحت اندیشانه و صلح طلبانه که

با نام دفاع از مردم و با عینک ایدئولوژیک و بی ربطی به دنیای سیاست را بنمایش میگذارد، توهمی در روند مبارزات مردم ایجاد کند. نگرش حاکم بر این اطلاعیه و اظهار نظر تنی چند از کادرهای این حزب و همسو با اطلاعیه، کپی برداری شده از مواضع آنان در قبال حمله نظامی آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ است نه حمله آمریکا به افغانستان برای کوبیدن طالبان. این دو واقعه علیرغم اینکه هر کدام در دل شرایط سیاسی و تاریخی معینی اتفاق افتادند و وجه تمایزاتی که با هم داشتند، اما تلاش برای باز پس گیری موصل از داعش به مورد افغانستان و طالبان شبیه است نه به حمله آمریکا به عراق و سرنگونی صدام حسین. بدون وارد شدن به جزئیات هر یک از این وقایع تاریخی که هر ناظر و تحلیلگر سیاسی با آن آشنایی دارد، به مورد موصل بپردازیم.

همانطور که در بالا جوهر حاکم بر اطلاعیه حزب کمونیست کارگری کردستان عراق (حکککع) اشاره رفت، آنها در بهترین حالت بر این باورند که، "نیروهای ائتلاف دست کمک کنندگان به داعش را ببندند آنگاه مردم خود داعش را از میان خواهند برد". این موضع و چنین رخدادی هیچگاه در دنیای تحولات سیاسی، منطقه ای و لگد پرانی هر یک از دولت‌های دخیل در منطقه علیه هم، نه اتفاق میافتد و نه حقیقت امر را بیان میکنند. این یعنی پرت بودن حکککع از درک، شناخت و تحلیل درست از وقایع و روند تحولات بین المللی و منطقه ای. مسئله اصلی از منظر این حزب این است که چون حملات برای زدن داعش ممکن است مردم عادی را از بین ببرد لذا نباید جنگ صورت بگیرد چون به مردم آسیب وارد میشود، خانه و کاشانه شان ویران میگردد و آواره خواهند شد. این دوستان طوری سخن میگویند که گویا بقیه طرفدار از بین رفتن مردم هستند و گویا قبل از حمله ائتلاف برای باز پس گیری موصل، مردم زیر سایه شوم و نکبت داعش در این شهر از موهبت و امنیت برخوردار بوده و هستند. در مدت دو سال و

نیم گذشته که داعش بر موصل حاکم بوده است نه تنها زندگی مردم را به عصر بربریت، توام با قتل، کشتار، اسارت، فروش و به بردگی کشاندن زنان، ایجاد گورهای دسته جمعی و جنایت برده است بلکه با اتکا به امکانات اقتصادی از قبل فروش نفت و غیره در شهر موصل، جهنمی بتمام معنا برای مردم موصل و تغذیه نیروهایش برای حضور در هر گوشه ای از دنیا بهره برده و آنرا تداوم بخشیده است.

از هر آدم عادی با هر درک و گرایش و موقعیت طبقاتی و سیاسی در دنیا سؤال شود که آیا بهتر است به حاکمیت داعش بر موصل و مناطق تحت نفوذش پایان داد یا همچنان بر موصل حاکم باشد، فکر می کنید چه پاسخی خواهد داد؟ بدون هیچگونه تردید و مکثی پاسخ خواهد داد که به موجودیت این هیولای ضد انسان به هر شکل و شیوه ای که هست باید پایان داد. در این تردیدی نیست که باز پس گیری موصل از داعش تنها با کوبیده ترین عملیات نظامی شبیه به آنچه که در مورد طالبان در افغانستان صورت گرفت قابل تحقق است. آیا از مردم کس یا کسانی تلف خواهند شد؟ بله تلفات خواهد داشت اما تداوم عمر داعش و آنگونه که حکککع خواهان قطع حمله به داعش است، آیا تا کنون دهها و صدها برابر تلفات در بر نداشته است؟ آیا بقای این نیرو بعنوان لکه سیاهی بر پیکر جامعه بشری در سراسر دنیا از مردم کماکان تلفات نگرفته و نخواهد گرفت؟ با فرض پذیرش مردم دنیا بر مبنای موضوعی که این حزب اتخاذ کرده است افکار عمومی دنیا باید هر روز شاهد و ناظر کشتار مردم نه تنها در موصل بلکه در خیابانهای کشورهای اروپایی و دیگر نقاط مختلف دنیا باشند و این یعنی تمکین و تن دادن به تداوم وضع موجود. جریانی که فکر میکنند میتوانند با بسیج نیروی مردم جهان و با مقایسه جنگ موصل با مورد حمله به عراق از راه دیالوگ راه حل سیاسی و بسیج تظاهراتهای ضد جنگ در جهان، داعش را پاک کند نه تنها دنیای سیاست و موقعیت کنکرت شرایط امروز را نفهمیده است بلکه فقط در دنیای تخیل و آرزوهای ذهنی خود روزگار را سپری خواهد کرد.

این موضع کاملا انفعالی و با کش دادن آن، سر از مواضع پرو اسلامی درخواهد آورد. برای اولین بار از زبان کادر این حزب میشنویم و میخوانیم که گویا جنبش کمونیستی از بنیاد ضد اسلام سیاسی نیست. وقتیکه این حزب با دادن اطلاعیه خواهان جنگ در موصل برای کنار زدن داعش نیست و کادر همین حزب در مخالفت با جنگ موصل معتقد است که: "جنبش کمونیستی از بنیاد ضد اسلام سیاسی و هیچ جنبش دیگری نیست، بلکه جنبشی ضد سرمایه و سرمایه داری است". نباید چندان دچار تعجب شد. جنبش کمونیستی را اگر به مفهوم خواست و آرمانهای انسانی و برابری طلبانه جنبش کارگری، جنبشهای اجتماعی و در یک کلام خواست و مطالبات ۹۹ درصدیها در تاریخ معاصر و حی و حاضر کنونی ترجمه کنیم باید گفت این جنبش نه تنها ضد سرمایه و سرمایه داری بلکه عمیقا ضد اسلام سیاسی هم هست. تنها درک و نگرشی مذهب و اینجا اسلام سیاسی را از سرمایه داری تفکیک میکند که کمونیسم را ایدئولوژیک، و تنها از طریق کتاب فهمیده باشد. اما خارج از مسئله موصل، نویسند "جنگ در موصل باید قطع شود" خیلی دست و دل‌بازانه جنبش کمونیستی را به حراج گذاشته و ارزان فروشی کرده است. جنبش کمونیستی به مفهوم سیاسی، نظری، تئوریک، اجتماعی و طبقاتی هیچگونه تفکیکی بین مذهب بطور عام و بطور مشخص اسلام سیاسی با سیستم سرمایه داری قابل نبوده و نیست. کمیسکه از پیوند تاریخی دوقلوی مذهب و سرمایه داری و امروز اسلام سیاسی افسار گسیخته با سرمایه داری به بن بست رسیده تفکیک قابل است و خود را ضد آن نمیداند باید گفت چیزی از کمونیسم نفهمیده است.

در بخش دیگری از اطلاعیه این حزب آمده است، "داعش را آمریکا و دولت‌های همسو با آمریکا بوجود آوردند". به این دوستان باید گفت کشف عجیبی نکرده اید. هر کس که اندکی از دور دنیا و روند تاریخ نیم قرن گذشته را دنبال کرده باشد سادگی این را میداند. در ثانی هلازی کلینتون و برخی از مقامات آمریکایی رسماً اعلام کرده اند که

خود آنان سازندگان تمام جانوران اسلامی، از خمینی و طالبان گرفته تا القاعده و داعش بوده اند و این میراث سیاست نزدیک به نیم قرن گذشته شان بوده است. اما این را هم میدانند که همین هیولا امروز برایشان به مزاحم جدی در رابطه با صف بندی ها، معادلات منطقه ای و جهانی و ضرر و زیان برای سرمایه تبدیل شده است. برای آنان کنار زدن داعش نه بخاطر دلسوزی برای مردم بلکه برای امنیت سیستم سرمایه داری ضروری است و هرگاه امنیت سرمایه داری ایجاب کند میتوانند در پرتو سیاستهای ضد رفاه اجتماعی و زیاده خواهی مردم برای یک زندگی انسانی این ظرفیت را دارند که در اشکال دیگری این جانوران را از آستین بیرون بکشند.

زدن طالبان و شبکه بن لادن تنها با یک حرکت نظامی سریع و کوبنده ممکن بود نه با بسیج افکار عمومی جهانی. مورد موصل را باید در کاتاکوری جنگ در افغانستان و زدن طالبان قرار داد نه حمله به عراق در سال ۲۰۰۳. در حال حاضر و در چند سال اخیر اوضاع کنونی افغانستان با نبود طالبان و القاعده در این کشور فضای مناسب تری را برای ابراز وجود نیروهای سکولار، برای ابراز وجود زنان، جوانان و مبارزه علیه ارتجاع بوجود آورده است. با موضع حکککع در قبال جنگ در موصل این حزب باید به رد محکوم نکردن حمله آمریکا به طالبان هم برسد.

در بخش دیگری از این اطلاعیه آمده است، "جنگ علیه داعش به تفرقه های قومی و مذهبی دامن میزند". بدون شك فضای حاکم بر شهر موصل بدون وجود نیروی اسلامی همچون داعش، جای نسبتا مناسبتر و قابل تحمل تری برای طرح توقعات مدنی، سکولار و انسانی مردم این شهر خواهد بود. اتفاقات و تحركات سال گذشته در عراق نمونه بسیار روشنی است. در عراق علیرغم تسلط نیروهای قومی و اسلامی حاکم بر این کشور، میلیونها نفر به خیابانها آمدند و با شعار "نه شیعی، نه سنی، جامعه مدنی"، ماهها در میداين و خیابانها خواست و مطالبات سکولار و انسانی خود را طلب کردند. حال از دوستان حکککع باید



پاسخ به کامنت فیسبوک

عبدل گلپریان

هادی هونروم: متا سفانه جنگ

موصل و کمی هم سر شلوغی سلسله مطلب "تجارب حکو مت داری کردی- فدراالی در کردستان عراق" را بتعویق انداخت و شاید هم منتظر بودم تا علاقمندان، خودشان نکات جالب تری را بر آن اضافه و یا از دیدگاه دیگری نقد نمایند، بهرحال ادامه این مطلب را ضمن پوزش فراوان بوقت دیگری می سپارم، ولی لازم دیدم نکاتی را و یا چند وجه نظری در مورد مصطلح "داعش" بنویسم:

فکر می کنم محدود کردن تعریف و هویت "گروه" "مسلح" "داعش" بعنوان یک جریان صرفاً "تروریستی" بسیار تعریف کم و نا قصی برای این جریان فکری، سیاسی و اجتماعی می باشد. این جریان، مدافع و نماینده فکری سیستمی است که برای به قدرت نشاندن ایدئولوژی و این نظام فکری اسلامی، تلاش می کند که صدها سال است اسلام ایدئولوژیک، نمایندگی آنرا می نماید. بنابر این پیشنهاد می کنم همه عزیزان به جای استفاده از مصطلح "داعش" و محدود کردن آن، به جریان "تروریست" بهتر از نام کامل آنرا (همچنانکه آنها خود را به این شکل تعریف و معرفی می نمایند) یعنی: "حکو مت خلافت اسلامی"; همان هدفی که آنها نیز خیلی به روشنی آنرا اعلام می کنند، استفاده کرد. یکی از اساسی ترین پایه های این نظام فکری بر پایه شهادت و جهاد پایه ریزی شده، شهادت و جهادی که به همراه و بهنگام گشتن خویش باید و می تواند تعداد زیادی انسان "بیگنا" و یا جنگجویان جبهه مقابل را نیز به قتل بکشاند و این نوع از خود کشی تنها در این سیستم فکری "خلافت اسلامی" به چشم می خورد.

ما در جریان زندگی و مبارزه خود بارها شاهد بوده و یا شنیده ایم، که فلان زندانی سیاسی قهرمان در سیاه چالهای حکومتی دیکتاتور، به این خاطر که مبادا راز و

باشی یا شنیده ای که جریانات ناسیونالیست و اسلامی که با آن زایه دارند، با کلی اما و اگر آنان را "چته های داعش" "یا چته های تروریست داعش" خطاب میکنند. علت این امر این است که واژه اسلام را از زیر ضرب خارج کنند.

نکته ای که من میخواهم اشاره کنم و در کامنت به آن پرداخته ای این است که "دولت اسلامی عراق و شام"، یا همان داعش، ابتدا ربطی به هیچ جریانی که با واژه های فکری، اجتماعی و سیاسی قابل توضیح هستند ندارد. منظورم این است که نه پایه اجتماعی دارد، نه پایه و افق سیاسی دارد و حتی نمیتوان آنرا در قالب فکری به معنای اخص کلمه خطاب قرار داد. حتی به باور من با عملکردی که از خود به نمایش گذاشته است نمیشود آنرا بعنوان جریان هم توصیف کرد.

اگر جریان اسلامی حزب الله، حماس، جمهوری اسلامی و غیره به بهانه دفاع از "آه مظلومان" فلسطین و ضد اسرائیلی گری سعی داشتند بعنوان "مدافعان محرومان" خود را جا بزنند و اسلام را در عرصه سیاسی نمایندگی کنند، امروز دیگر توانایی این ادعاها را هم ندارند، بخاطر اینکه با اتکا به این زخمها سوار شدند و خودشان به صورت مسئله جدی برای کنار زدنشان تبدیل شده اند.

"دولت اسلامی عراق و شام"، نه بعنوان هدف و نه بعنوان سیاست و تاکتیک و حتی ایدئولوژی هم، در این قالب جای ندارند. مثلاً شما دقت کنید ببینید از روزی که اسلام داعش ظهور کرده است، یکجا و یک کلمه با داعیه دفاع از مردم فلسطین، یا مثلاً ادعای مستضعف

پناهی و یا اینکه خود را ضد اسرائیل یا ضد آمریکایی گری (انگونه که خمینی با سوار شدن بر چنین شعاری) به جلو صحنه رانده شد را ابتدا در خود ندارد. این پدیده اسلامی از گور برخاسته با هر آنچه که موجودیت دارد (از انسان و حیوان گرفته تا اشیا و داده های زندگی در جهان مادی) در جنگ است. حتی با موجودیت خودش هم در جنگ است و ابتدا با روشهایی که سابقاً فعالین و زندانیان در پایان دادن به زندگی خود از آن روشها استفاده میکردند سر سوزنی قابل مقایسه نیست. (اینجا نمیخواهم بیشتر وارد این مسئله بشوم که خود بحث جداگانه ای را می طلبد)

بنا به آنچه که توضیح دادم "دولت اسلامی عراق و شام"، را تنها میتوان در سیمای توحش صدر اسلام توضیح داد که با هر پدیده ای در تضاد و در ضدیت با آن است. اما نباید این را از نظر دور داشت که همین پدیده اسلامی و ضد انسانی در مقطع عصر حاضر ابزار و گیوتن سیاسی مناسبی در دست دولتها برای رقابت، صف بندی، تعادل در معادلات جهانی و منطقه ای مورد استفاده قرار گرفته است.

شخصاً فکر میکنم دولت آمریکا، روسیه، دول اروپایی و دیگر دولتهای مرتجع منطقه بشرط آنکه این جانوران اسلامی را رام شده در کنار خود داشته باشند و آنان را در مقابل خواست و توقعات انسانی، رفاه اجتماعی، سوسیالیسم خواهی و دیگر توقعات شایسته انسان امروز بعنوان ضربه گیر مورد استفاده قرار دهند چندان ناخشنود نیستند. سیاست کمربند سبز خود یکی از این سیاستها برای جلوگیری از آرمانهای انسانی بود که تولیدات

این سیاست با زیر نورافکن قرار دادن خمینی و کوبیدن انقلاب پنجا و هفت، لاس زدن با جمهوری اسلامی، دولت ترکیه، سیمای رسمی داعش در قامت دولت عربستان، حماس و حزب الله و اکنون هم که تلاش میکنند شاخه های خوشخیم تر اسلامی در سوریه در مذاکرات سهیم و شریک کنند، همگی دال بر این است که آنان با اتخاذ چنین سیاستهایی، و با "اسلام خوشخیم، "مودب"، و رام شده که حرف گوش کن باشند مسئله ای ندارند.

برای یک لحظه تصور کن که از مقطع ظهور خمینی و طالبان تا به امروز و با کسک دول غربی این جانوران بقدرت نمیرسیدند، تصور بکن که سیاست این دولتها برای این ضد بشری ترین فسیل های اسلامی جا باز نمیکردند، با تصور چنین فرض و تصویری، شکی نباید داشت که بجای اوضاع جهنمی امروز، آرمانهای برابری طلبانه، سوسیالیستی، تحریکات عظیم کارگری در سطح جهان میداندار بود و اگر حتی نایل به کسب قدرت سیاسی و سوسیالیستی در هیچ کشوری هم نمیشد، در کمترین حالت مهمترین خواست و توقعات یک زندگی بهتر و انسانی را به همین دولتهای سرمایه داری تحمیل میکردند.

با پوزش که نکاتم بدرزا کشید. اما یک زندگی انسانی، حرمت و کرامت انسان، برابری طلبی و آزادی خواهی، سکولاریسم و جامعه ای شایسته انسان امروز یک ضرورت و نیاز حیاتی دنیای امروز است و با فضای توحش و بربریتی که خلق کرده اند بدون شک قابل عقب زدن و ساکت کردن نیست.

احکام امنیتی علیه کارگران، معلمان و مردم معترض باید ملغی شود!

دفتر دادیار ناظر بر زندانیان سیاسی جعفر عظیم زاده را به زندان اوین فرا خواند



ظهر امروز دفتر دادیار ناظر بر زندانیان سیاسی طی تماسی با جعفر عظیم زاده وی را به زندان اوین فراخواند و اعلام کرد چنانچه وی فردا صبح به زندان مراجعه نکنند غیبت اش را به دادستانی تهران اعلام خواهیم کرد. فرا خواندن جعفر عظیم زاده به زندان در شرایطی صورت میگیرد که وی در حال حاضر از مشکلات عدیده ای منجمله بیماری قلبی رنج می برد و

بر اساس پرونده ای مرتبط با اعتصاب کارگران کارخانه نورد و لوله صفا به شعبه چهار بازپرسی دادگستری شهرستان ساوه احضار و پس از محاکمه در شعبه اول دادگاه انقلاب ساوه با همان اتهامات شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران، به ۱۱ سال زندان دیگر محکوم شد. در ارتباط با اعتصاب اردیبهشت ماه سال ۹۴ کارگران کارخانه نورد و لوله صفا پرونده دیگری نیز در دادگاه شعبه ۱۰۱ کیفری ۲ ساوه با اتهامات تشویش اذهان عمومی و بر هم زدن نظم عمومی بر علیه جعفر عظیم زاده و شاپور احسانی راد تشکیل شده که جلسه اول محاکمه آنان در این دادگاه در روز هشتم شهریور ماه برگزار و ادامه محاکمه به جلسه دیگری موکول شد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران
سوم آبانماه ۱۳۹۵

از صفحه ۴ موصل و موضع چپ ...

پرسید آیا با بودن داعش و حاکمیت این نیروی عصر حجری بر موصل یا هر کجای دیگر در دنیا، میتوان چنین شعارهایی را سر داد و سکولاریسم را طلب کرد؟ بنابر این قبل از هر چیز کنار زدن داعش پیش درآمد سربلند کردن خواست و توقعات مدرن و انسانی در موصل است نه برعکس و این کار تنها با تعرض نظامی کوبنده ممکن و میسر است. بعد از حاصل شدن چنین فضا و شرایطی است که میتوان افکار عمومی جهانی را علیه خالقین و کوبنده گان داعش و برای حاکم کردن یک جامعه مدنی، سکولار، غیر قومی و غیر مذهبی متوجه خواست و مطالبات مدنی و سکولار مردم موصل و منطقه کرد. خوشبختانه موضع بی ربط و بی تاثیر حککع در میان افکار عمومی مردم کردستان عراق ذره ای سمپاتی ایجاد نخواهد کرد آنهم به این دلیل که متأسفانه در ماههای گذشته و طی هر دوره از حرکات اعتراضی مردم شهرهای کردستان

تحول جدی با ارائه تشخیصی درست از اوضاع و روند تحولات در این حزب صورت بگیرد و با برین بند ناف خود از جریان موسوم به خط رسمی، به ایفای نقش موثر و کارسازی در تحولات کردستان عراق بپردازد. کردستان عراق عمیقاً به یک حزب سیاسی جدی کمونیستی، دخیل در سوخت و ساز هر روزه جامعه و دخیل در تحولات سیاسی و اجتماعی و به حزبی با روشن بینی خط سیاسی تاثیر گذار در مقطع حاضر بشدت نیاز دارد. تداوم خط کنونی این حزب، کارگران و کل جامعه کردستان عراق را که آبهستن تحولات تعیین کننده و سرنوشت سازی است و میتواند به نفع کل مردم باشد محروم خواهد کرد و همچنان جریانات ناسیونالیست، قومی و اسلامی در به بیراهه کشاندن این اعتراضات و سوار شدن بر حرکتیهای برحق و اعتراضی مردم کردستان عراق بهره خواهند برد.
۲۲ اکتبر ۲۰۱۶

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی:

سوئد:
Sweden
Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

آلمان:
Germany
Rosa Mai
Konto. Nr.: ۵۸۳۶۵۷۰۲
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

کانادا:
Canada
ICRC
Scotiabank
۴۹۰۰ Dixie Rd, Mississauga
L4W 2R1
Account #: 84392 00269 13

هلند:
Bank: RABOBANK
Darande hesab: FVIN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:
Bank of America
277 G street Blaine, Wa 98230
phone# 1-360-332-5711
Masoud Azarnoush
Account number : 41581083
checking (99)
wire: ABA routing #026009593
swift code # BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:
England
Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23
account holder: WPI
branch: Wood Green
Bank: NatWest
IBAN: GB77 NWBK 6024 2345 ۷۷۹۸۱
BIC: NWBK GB 2L

هر سوالی دارید می‌توانید با آدرس و یا تلفن زیر تماس بگیرید:
سیامک بهاری: 0046739868051
markazi.wpi@gmail.com

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

زنده باد انقلاب انسانی
برای جامعه ای انسانی!

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!